

# بررسی تحولات هویّت جنسیتی بانوان مذهبی در جامعه ایران\*

ابوالفضل اقبالی<sup>۱</sup>

عاطفه خالقی<sup>۲</sup>

## چکیده

تفاوت‌های تکوینی زن و مرد در خلقت، موجب تمایز در هویت جنسیتی آنان و انتظارات نقشی متفاوت از هردوی آن‌ها می‌گردد. این هویت جنسیتی برای زنان دارای مؤلفه‌هایی از جمله همسری، مادری، نقش‌های اجتماعی و... است؛ که هر یک دارای نظام اولویت خاص خود می‌باشد. در دنیای جدید به دلایل مختلف شاهد تحولاتی در این نظم هویتی در میان زنان و مردان هستیم، که البته مختص به طیف خاصی از افراد جامعه نیز نمی‌شود. لذا هدف از انجام این تحقیق، بررسی تحولات هویت جنسیتی بانوان مذهبی در جامعه ایران است. روش انجام این تحقیق ترکیبی از روش استادی و روش کیفی مطالعه موردنی با تکیک مصاحبه عمیق بوده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که وجود خلاصه‌های گفتمانی در ادبیات نظری انقلاب اسلامی در حوزه مسائل زنان و خانواده و نیز عدم ارضای نیازهای روانی، جنسی و عاطفی زنان در خانواده، رضایتمندی کلامی در محیط کار و ترجیح نتیجه بر تکلیف، از جمله علل ویژه

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۰۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۲۳

۱. دانشجوی دکترای دانش اجتماعی مسلمین، دانشگاه تهران (نوسنده مسئول)

abolfazl\_eghbali62@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد جامعه شناسی، دانشگاه شاهد (abolfazl\_eghbali62@yahoo.com)

تحولات در هویت جنسیتی بانوان مذهبی در جامعه ایران به شمار می‌روند. راهکارهای پیشنهادی پژوهش حاضر در این زمینه نیز عبارت است از: رفع ابهامات و خلاهای گفتمانی از ادبیات نظری و گفتمان انقلاب اسلامی، ارتقاء کیفیت حضور مردان در خانواده از رهگذر تدبیر فضای عاطفی و احساسی خانه و پاسخ‌گویی به نیازهای زیستی همسر و نیز انعطاف‌پذیرتر کردن تفکیک جنسیتی نقش‌ها در درون مناسبات خانواده است.

**واژگان کلیدی:** هویت جنسیتی، زنانگی، بانوان مذهبی، تحولات هویتی، خلاهای گفتمانی

### مقدمه

در نگاه اسلامی به خلقت زن و مرد، اعتقاد بر این است که خداوند حکیم تکوین متفاوتی را برای این دو رقم زده است و زن و مرد در ویژگی‌ها و خصلت‌های جسمی و روانی، ذاتاً با یک‌دیگر متفاوت هستند (آل عمران/۳۶؛ زخرف/۳۲؛ نساء/۳۴).

حکمت و فلسفه تفاوت زن و مرد نیز نظم حاکم بر هستی و تداوم خلقت است که تنها با کنار هم قرار گرفتن و ایفای نقش مکمل زن و مرد میسر شده و کارآمدی و هم‌گرایی خانواده و جامعه را به دنبال دارد.

به لحاظ تاریخی نیز زنانگی و مردانگی، تا سالیان متتمدی از اموری ذاتی و مبتنی بر طبیعت انسان‌ها تلقی شده و شیوه زیست‌فردي و اجتماعی متناسب با جنسیت را در طول تاریخ شکل داده بود. ادبیات رایج در نظریه‌های فلسفی و اجتماعی در طول تاریخ نیز غالباً مبتنی بر طبیعی بودن منشاء زنانگی و مردانگی بوده است (Harding 9: 1998). اما از حدود دو قرن پیش و با ظهور و گسترش نظریه‌های فمینیستی، به ویژه در موج دوم و نقد ایده زنانگی ذاتی، این الگو به چالش کشیده شد.

برخلاف ذات‌گرایان که زنانگی و مردانگی را طبیعت‌بنیاد فهم می‌کردند (فالی: ۱۳۸۸) فمینیست‌ها با جدالنگاری دو مفهوم جنس<sup>1</sup> و جنسیت<sup>2</sup> بر این عقیده تأکید می‌کنند، که زنانگی و مردانگی نه یک مفهوم زیستی و فیزیولوژیک، بلکه امری اجتماعی و بر ساخته از

1. Sex

2. Gender

فرهنگ و تاریخ است (Friedan, 1963: 135 & De Beauvoir, 1975: 85). آنها بر این

عقیده‌اند که جنسیت گرایی عامل تعیین‌کننده در جایگاه فردست زنان در طول تاریخ بوده و برای تغییر این وضعیت و کسب موقعیت اجتماعی برابر با مردان باید بر انسانیت به مثابه امر مشترک در زن و مرد تاکید نمود (Barrett & Philips: 1992, Cahoon: 2003).

با نفوذ این ادبیات در بدنۀ اجتماعی جوامع مدرن، کم کم تقسیم جنسیتی نقش‌ها بر مبنای تفاوت‌های زن و مرد، از نظام اجتماعی این جوامع خارج شده و ایفای نقش بر مبنای یکسانی و تشابه زن و مرد در حقوق و فرصت‌های برابر اجتماعی، جایگزین آن شد. این روند به بازتعریف زنان از هویت تاریخی زنانه خود در شکل و قالب جدید و امروزین خود نموده و هویت جنسیتی آنان رنگ و لعاب دیگری به خود گرفت. این پدیده با گسترش ادبیات توسعه و نفوذ ارزش‌های مدرنیسم به جوامع سنتی دیگر، باعث ایجاد تحولاتی در سازمان نقش اجتماعی زن و مرد گردید.

در کشور ما نیز به تبع تحولات به وجود آمده در جهان و ورود نظریه‌های فمینیستی، زنان با نادیده گرفتن هویت تاریخی و طبیعی خود و پشت کردن به نقش‌های خانوادگی، به بیرون از خانه هجوم آورده و برای کسب جایگاه اجتماعی و مشاغل بیرون از خانه با یک‌دیگر به رقابت پرداختند. اگر چه این روند به وجود آمده تحت تأثیر تحولات اجتماعی جهان صورت گرفته، اما به دلیل تفاوت‌های جامعه ایرانی با جوامع غرب و پررنگ بودن برخی از مناسبات سنتی و دینی در این کشور، شکل دیگری از این پدیده در کشور ایران رقم خورد. به عبارت دیگر، تحولات به وجود آمده در نقش‌های جنسیتی زنان در جوامع مدرن و به تبع آن در جامعه ایران، به دلیل گره خوردن و آمیخته شدن با وجهه ایرانی و وجوه زنانه سبک زندگی زنان، با دگرگونی‌های در ظواهر و پیامدها همراه گردید.

برای مثال، می‌توان به تأثیر ویژگی‌های جامعه ایرانی همچون روحیه چشم و هم چشمی، اشرافی‌گری و اهمیت پُز دادن نزد دیگران و غیره و نیز وجود زنانه‌ای چون احساسی بودن، در گسترش پدیده اشتغال زنان در ایران اشاره نمود، که صورتی افراطی و سرعتی بی‌بدیل در مقایسه با سایر کشورهای جهان به خود گرفته است.

تحولات مذکور در هویت جنسیتی زنان در ایران پدیده‌ای فراگیر بوده و همه زنان

را با تفاوت‌های سنی، فرهنگی، طبقاتی و طیف‌های مختلف فکری و اعتقادی، با خود درگیر کرده است. طیف بانوان مذهبی نیز در جریان همین روند، از تحولات تأثیر پذیرفته و هویت و نقش‌های جنسیتی و سبک زندگی آنان دچار تغییرات فرمی و محتوایی شده است. البته تغییر و تحولات در نقش‌های جنسیتی بانوان مذهبی در جامعه کنونی ایران صرفاً از ادبیات مدرنیته ناشی نشده و علل تبیین‌کننده دیگری نیز برای فهم دقیق آن وجود دارند.

وقوع انقلاب اسلامی و اهمیت یافتن مفاهیم و ارزش‌های اجتماعی اسلام از جمله تحقق عدالت و نیل به تمدن نوین اسلامی، نیاز به سهیم کردن هرچه بیشتر ظرفیت‌های انسانی جامعه را به دنبال داشت. اما عدم درک صحیح و کامل از دغدغه‌های اجتماعی انقلاب و نداشتن تحلیل جامع از ملزمات آن در میان مدیران و افراد متدين جامعه و به ویژه بانوان مذهبی، زمینه‌ساز مؤثری برای تحولات نقش‌های جنسیتی آنان و اراده معطوف به نوع دیگری از «بودن» شد.

این تحولات وقتی با وجوده ایرانی و دینی زندگی زنان مذهبی، یعنی اهمیت نظام خانواده، وظایف همسری و مادری و... گره می‌خورند، باعث بروز اختلالاتی در نظام شخصیتی و هویتی آنان می‌شود. به عبارت دیگر، بانوان مذهبی ایرانی از یک سو تحت تأثیر تحولات ارزشی مدرنیته و نیز دغدغه‌های اجتماعی نظام اسلامی درصداد بازتعربیف نقش‌های خود شده و از سوی دیگر، به دلیل تعلق دینی و سنتی به نظام خانواده و همسر و فرزندان، همچنان به ایفای نقش‌های سنتی خود گرایش دارند، که نتیجه آن اختلال در تعريف هویتی جنسیتی خود و تعارض نقش است.

حال با عنایت به مقدمه فوق، باید گفت که هدف از تحقیق حاضر پاسخ دادن به پرسش‌های زیر است:

- الف. هویت جنسیتی اصیل زن ایرانی و به ویژه بانوان مذهبی، چه مؤلفه‌هایی دارد؟
- ب. تحولات هویت جنسیتی زن ایرانی و به ویژه بانوان مذهبی، چه ابعادی دارد؟
- ج. علل و زمینه‌ها و پیامدهای تحولات در هویت جنسیتی زن ایرانی و به ویژه بانوان مذهبی کدامند؟
- د. راهکارهای پیش روی این وضعیت کدامند؟

## ۱. روش‌شناسی تحقیق

برای رسیدن به نتایج این تحقیق و پاسخ‌گویی به سه پرسش اساسی آن، از روش‌های مختلفی بهره گرفته شده است. در این پژوهش برای دستیابی به پاسخ سوالات تحقیق از روش‌های کیفی استفاده شده است: در بخش اول به منظور تبیین الگوی هویت جنسیتی بانوان مذهبی از روش اسناد و مدارک علمی و مطالعه کتابخانه‌ای و رجوع به منابع اسلامی و کتب و مقالات این حوزه استفاده گردیده است.

در پژوهش اسنادی سعی بر این است که اسناد و مدارک موجود و مرتبط با موضوع پژوهش به منظور پاسخ‌گویی به سوالات پژوهش مورد بررسی قرار گیرند(Bailey:1994). در بخش دوم به منظور توصیف وضع موجود و فهم تحولات هویت جنسیتی بانوان مذهبی از روش کیفی و مصاحبه عمقی با ۱۵ نفر از زنان متاهل و فعال فرهنگی و اجتماعی بهره گرفته شده است. نمونه‌ها به صورت غیراحتمالی و با تکنیک هدفمند گزینش انتخاب شده‌اند.

## ۲. هویت جنسیتی اصیل زنان

«هویت»<sup>۱</sup> پاسخ انسان به پرسش از کیستی یا چیستی خود است، که به تدریج از کودکی تا سنین بالای رشد، ادامه می‌یابد. مفهوم هویت بر معانی تشکیل‌دهنده «خود» به مثابه یک سوژه مرکز داشته و به خودشناسی، ساختار و محتوا می‌بخشد و «خود» را با نظام‌های اجتماعی پیوند می‌دهد. منظور از هویت، احساس تعلق به مجموعه‌ای مادی و معنوی است که عناصر آن از قبل شکل گرفته‌اند(شرفی، ۱۳۸۸: ۴۵).

«هویت جنسیتی»<sup>۲</sup> تصویر و احساسی است، که زن یا مرد از «زن بودن» یا «مرد بودن» خود داشته و نیز انتظاراتی است که از خود به عنوان یک جنس متمایز و متفاوت با جنس دیگر دارد. به تعبیر ساده‌تر، هویت جنسیتی به احساس مردانگی و زنانگی هر

- 
1. Identity
  2. Gender identity

فرد از خود اطلاق می‌شود. نزد اصحاب علوم اجتماعی و روان‌شناسی، هویت جنسیتی به شناخت فرد از خویشتن به مثابه مرد یا زن تعبیر شده (ایبرتسن، ۱۳۷۲؛ ۳۱؛ توکلی، ۱۳۸۲؛ ۷۰) و هویت زنانه احساس و تصویری است که شخص از زنانگی خود دارد و شامل نظام ارزشی، مؤلفه‌ها و انتظاراتی است که به عنوان یک زن برای خود تعریف می‌کند (بستان، ۱۳۸۳؛ ۴۰).

در این بخش با طرح دیدگاه‌های علمی و مبانی دینی پیرامون ابعاد و ویژگی‌های هویتی زنان، به تبیین هویت جنسیتی اصیل بانوان پرداخته و ساختار و مؤلفه‌های آن طراحی می‌گردد.

#### ۱-۲- مبانی شناخت هویت زنان

در نگاه دینی به هستی و هویت زن، مؤلفه‌ها و گزاره‌های متعالی وجود دارد که در ادامه به تبیین برخی از آن‌ها خواهیم پرداخت.

#### ۱-۱-۲- اشتراک در انسانیت

یکی از مهم‌ترین مبانی دین اسلام در نگاه به هستی زن، برخورداری یکسان زن و مرد از شان انسانی و استعداد برابر هر دو در پیمودن راههای کمال و رسیدن به قرب الهی است. اسلام زن و مرد را انسان دانسته و برای هر دو، سه ویژگی مهم اختیار، مسئولیت‌پذیری و توان ارتقاء و کمال قائل است (بستان، ۱۳۸۸؛ ۲۵۳).

دیدگاه اسلامی برخلاف دیدگاه مکاتب و اندیشمندان غربی و باستانی، یک دیدگاه کاملاً مترقی و معتدل در باب زنان است که نه مانند اندیشمندان یونان باستان و اندیشمندان مدرن زن را موجودی پست می‌شمارند (دورانت، ۱۳۷۴؛ ۱۴۸؛ سگالن، ۱۳۷۵؛ ۴۷؛ آبوت و کلروالاس، ۱۳۸۱؛ ۱۲۸؛ هجایی، ۱۳۹۰؛ ۲۷۶؛ آکین، ۱۳۸۳؛ ۷۸؛ اعزازی، ۱۳۸۵؛ ۳۵؛ فرنچ، ۱۳۷۳؛ ۲۱۱). و نه مانند صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان مکاتب فمینیستی آنقدر وجود زن را تقدیس می‌کنند، که به حد افراط کشیده می‌شود (دوبوار، ۱۳۸۷؛ ۱۲۵؛ میل، ۱۰۳؛ ۱۳۷۹؛ استونز، ۱۳۷۹؛ ۴۹۵؛ مشیرزاده، ۱۳۷۴؛ ۳۰۷؛ ۱۳۸۸؛ ۳۲۴؛ میشل، ۶۷؛ ۱۳۷۶).

اسلام معتقد است، نه مرد نسبت به زن به واسطه مردانگی در انسانیت برتری دارد و نه زنانگی زنان علت موجه‌ای برای تقدیس و برتری زنان است (بهشتی، ۱۳۶۱؛ ۸۹).

علاسوند، ۱۳۹۰؛ زیبایی نژاد، ۱۳۸۳؛ بستان، ۱۳۸۵؛ ۷۲: ۱۳۸۵؛ ۱۱۳: ۱۳۸۵). بلکه به دلیل در نظر گرفتن هدف واحد برای خلقت انسان اعم از زن و مرد، ملاک برتری انسان‌ها نزد خداوند رعایت و برخورداری از تقوای الهی است.

۲۵

#### ۴-۱-۲- تفاوت در خلقت

با وجود یکسانی زن و مرد در جایگاه انسانی، این دو در ساحت آفرینش و خلقت دارای تفاوت‌ها و تمایزات تکوینی می‌باشند که با توجه به اصل گوناگونی راه‌های رسیدن به کمال در میان انسان‌ها، این تفاوت‌های تکوینی نه تنها منشاء نابرابری و تبعیض، بلکه نشان از حکمت و تدبیر خداوند است تا شرایطی ایجاد گردد که زن و مرد هم در مسیر کمال مناسب با شرایط و ویژگی‌های خاص خود طی طریق نمایند و هم برای یکدیگر نقش مکمل را ایفا نمایند (رؤوف، ۱۳۷۷؛ میرخانی، ۹۴: ۱۳۸۰).

این تفاوت‌های تکوینی میان زن و مرد هم شامل ویژگی‌ها و شرایط جسمی و فیزیولوژیکی و هم شامل ویژگی‌های روحی و روانی مانند خلقيات، خردورزی، خلاقیت‌های هنری، عاطفه و احساس و... است. به عبارت دیگر، آن‌چه از ملاحظه مجموع آیات و روایات به دست می‌آید آن است که، زن و مرد نه تنها در بعد جسمی بلکه در ابعاد گوناگون احساسی، روحی، ذهنی و رفتاری به گونه‌ای از هم متمایزاند.<sup>۱</sup>

#### ۴-۲- اصول حاکم بر هویت جنسیتی زنان

پس از آن که مشخص شد دو مقوله «اشتراک در انسانیت» و «تفاوت در خلقت»، مبانی شناخت هویت زنان هستند، در این قسمت سعی داریم تا به تبیین اصول و ملاحظات ارزشی حاکم بر هویت جنسیتی اصیل بانوان متدين پردازیم.

#### ۴-۱-۲-۲- ضرورت تکریم زن

از دیگر اصول و ارزش‌هایی که اسلام بر روی آن به شدت پافشاری کرده، همانا

۱. ﴿... وَلَيْسَ الدَّكْرُ كَالْأَنْثَىٰ؛ وَ مَرْدَ مَانِدَ زَنَ نَيْسَتَ (آل عمران / ۳۶).﴾  
﴿الرَّجُلُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ إِمَّا فَضَلَّ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَّإِمَّا أَنْفَعُوهُمْ﴾؛ مردان سرپرست زنانند چرا که خداوند بعضی از انسان‌ها را برعضی برتری داده (نساء / ۳۴).

«حرمت و شان زن مؤمن و مسلمان علی الخصوص در برابر مردان نامحرم» است. اسلام دو جنس زن و مرد را در گوهر انسانی و شرافت، یکی می‌داند و از این لحاظ تفاوتی بین ایشان قائل نیست. قرآن تمام انسان‌ها را بدون در نظر گرفتن جنسیت و نژاد و... دارای کرامت می‌داند (اسراء/۷۰). اما در این میان، اکرام و احترام نسبت به زن جایگاه خاص و ممتازی دارد.

اسلام برای زنان مسلمان و مؤمن در برابر مردان نامحرم، عزت و احترام قائل است و از آموزه‌های دینی می‌توان سراغ گرفت که مردان را به حفظ حرمت زنان مسلمان و رعایتشان و عزت آنان و مراقبت بر رفتار و گفتار خود در برابر آنان امر و توصیه و تاکید می‌نماید.<sup>۱</sup>

#### ۲-۲-۲- جایگاه اساسی زن در خانواده

از اصول دیگری که شارع مقدس بر آن بسیار تاکید داشته این است که، خانواده در جامعه اسلامی مبتنی بر محور زن است. محوریت داشتن زن در درون خانه به معنای سلب و نفی ساختار قدرت و سلسه مراتب اقتدار در خانه که دلالت بر سرپرستی و قوامیت مردان دارد، نیست؛ بلکه به این معناست که خانه به وسیله زنان مدیریت شده و ارزش‌ها و کارکردهای اصلی خانواده توسط زنان اجرا می‌گردد. در دین اسلام برداشت کلی از مجموع روایات و سیره اهل بیت علیهم السلام این است که امور داخل خانه و روش

۱. خداوند در قرآن خطاب به مردان می‌فرماید: (وَعَالِيَّوْهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ)؛ و با آنها (زنانتان). به شایستگی رفتار کنید (نساء/۱۹).

﴿...لَا تَضَرُّو هُنَّ لِكَنْيَةٍ عَلَيْهِنَّ﴾؛ هرگز بر زنانタン ضرر وارد نسازید و آنان را در ضيق و فشار قرار ندهيد (طلاق/۵).

قال رسول الله ﷺ: «ما أکرم النساء إلاَّ كريمٌ وَ لَا أهانَهُنَّ إِلَّاً ثَمِيمٌ»؛ کسی که بهره‌ای از کرامت برده باشد، زنان را احترام و اکرام می‌کند و به زنان، اهانت نمی‌کند مگر انسان پست (متقی هندی، بی‌تا: ۱۶/۳۷۱؛ پاینده، ۱۳۲۴: ۱۵۲۰).

و نیز موارد بسیار دیگری که احترام به زنان و دختران را مورد تاکید قرار می‌دهد (عاملی، ۱۴۱۶: ۳۶۲/۲۱؛ ۳۶۵: نوری، ۱۴۰۸: ۱۱۸؛ کلینی، ۱۳۸۷: ۶/۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۸/۳۸۹).

مقام معظم رهبری نیز در این زمینه می‌فرمایند: «تکبر در اسلام صفت مذمومی بشمار می‌رود. اما در فرهنگ اسلام زن باید در برابر مرد نامحرم متکبر باشد و از خضوع و کرتش دوری جوید. زیرا این امر کرامت زن را تضمین می‌کند» (مقام معظم رهبری، ۷۱/۹/۲۵).

نگه داشتن چراغ خانواده بر عهده زن خانه است و هیچ امری برای زنان ارزشمندتر و مهم‌تر از حفظ و نگهداری نهاد خانواده شمرده نشده است (حرعاملی، ۱۴۱۶: ۵/۱۲۹).

۳۷

### ۳-۲-۲- تاکید بر مربی بودن زن

از دیگر اصول و ارزش‌هایی که دین اسلام در دیدگاه اجتماعی و به خصوص در ارتباط با نقش زن در خانواده و اجتماع مورد توجه و تاکید فراوان قرار داده است، عنایت داشتن بر نقش تربیتی زن با تکیه بر اختصاصات و ویژگی‌های جسمی و بعد روحی و عاطفی وی چه در درون خانه و در نسبت با فرزند و همسر و چه در محیط اجتماع است.

بعد جسمانی و قابلیت‌های بدن زن در وابستگی کودک به وی برای ادامه حیات و بعد عاطفی و احساسی او برای ارضای نیاز روحی و معنوی فرزند و شوهر، از اختصاصات ویژه زنان برای مربی بودن آنان است. به عبارت دیگر، زنان با توجه به استعدادها و ویژگی‌های طبیعی خود در زمینه احساسات قوی و هوش عاطفی خود، مناسب‌ترین گرینه برای پرداختن به امور تربیتی و انسان‌ساز می‌باشند.<sup>۱</sup>

### ۴-۲-۲- مطلوب نبودن اختلاط زن و مرد

یکی از مهم‌ترین اصول و ارزش‌های اجتماعی دین مبین اسلام که ارتباط مستقیم با تبیین هویت جنسیتی بانوان مذهبی دارد، این است که در آموزه‌های اسلامی، اختلاط زن و مرد بسیار مورد مذمت و نکوهش واقع شده و تعامل مرد و زن نامحرم به جز در موقع ضرورت، به شدت برحدار داشته شده است.<sup>۲</sup> دین اسلام از آنجا که به دنبال

۱. امام خمینی در ارتباط با نقش تربیتی زن تعابیر بسیار زیبا و درخور توجّهی دارند. ایشان زن را مبدأ سعادت و خیر جامعه دانسته و فرمایند: «زن، انسانی بزرگ و مربی جامعه است. او است که با تربیت صحیح خود، انسان درست می‌کند و کشور را آباد می‌نماید» (خامنه‌ای، ۱۳۶۳: ۶/۱۸۷) و نیز می‌فرمایند: «زن یکتا موجودی است که می‌تواند از دامن خود افرادی به جامعه تحويل دهد که از برکشی یک جامعه، بلکه جامعه‌ها به ارزش‌های والای انسانی کشیده شوند» (همان: ۱۲۵).

۲. علاوه بر آیه ۲۵ سوره مبارکة نساء که در نفی ارتباط صمیمانه و دوستی پنهانی با نامحرم است، در روایات بسیاری نیز بر این مهم تاکید شده است.

حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> در پاسخ به سوال حضرت علی<sup>علیها السلام</sup> که از بهترین چیز برای زنان می‌پرسند، می‌فرمایند: «خَيْرٌ لَهُنَّ أَنْ لَا يَرِيْنَ الرِّجَالَ وَ لَا يَرِيْنَهُنَّ؛ بهترین چیز برای زنان آن است که مردان را نبینند و مردان نیز آنان

جلوگیری از به فساد و انحطاط اخلاقی کشیده شدن جامعه است و ارتباط مرد و زن نامحرم را کاملاً مستعد به گناه کشیده شدن و عامل اصلی فساد اخلاقی می‌داند، تاکید فراوان دارد که مرد و زن نامحرم تا جایی که برایشان امکان دارد از اختلاط و تعامل با یکدیگر پرهیزند (معصومی، ۹۸: ۱۳۸۹).

### ۳-۲- مؤلفه‌های هویت جنسیتی بانوان

هویت جنسیتی اصیل بانوان دارای مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی می‌باشد که به ترتیب عبارتند از:

#### ۱-۳-۲- همسری (تمکین)

نقش همسری شایسته از وظایف و نقش‌هایی است که در جامعه اسلامی برای زنان مورد تاکید قرار گرفته شده است.<sup>۱</sup> «مهم‌ترین نقش‌های جنسیتی تصویر شده برای زنان، همسری و مادری است و هیچ‌یک از فعالیت‌های زنان اهمیتی همپای این دو نقش نخواهد داشت؛ در میان نقش‌های ویژه زنانه بر هیچ‌یک به قدر همسری تأکید نشده است. ایفای درست این نقش، پس از ازدواج، هم لازم است و هم به مثابه جهاد در راه خداوند مهم و ارزشمند است» (حق‌شناس، ۱۳۸۸: ۸۵).

۱. در نیشنده) (عاملی، ۱۴۱۶: ۲۰/۷۶).

در سیره پیامبر ﷺ و ائمه مucchomien نیز به وفور مواردی را می‌توان یافت که این بزرگواران برای ممانعت و جلوگیری از اختلاط زن و مرد در فعالیت‌های اجتماعی و یا حضور در مساجد و... تدبیری را اندیشیده و وضع کردند (کلینی، ۱۳۸۷: ۵/۱۸؛ ۱۳۸۳: ۷/۶۰؛ حلبی، ۱۳۸۲: ۲۵؛ عاملی، ۱۴۱۶: ۳/۵۰۷ و ۴۹۳؛ ای داوود، ۱۴۲۰: ۲/۶۵۸).

در باب آسب‌های اجتماعی و اخلاقی ناشی از اختلاط بی حد و حصر و آزادی بی قید تعاملات میان زن و مرد نمونه‌های فراوانی در کشورهای غربی وجود دارد که نوشتار حاضر مجال آنرا تدارد و صرفاً مراجعه به آمارهای جرائم و آسب‌های اجتماعی و زوال اخلاقی در کشورهای غربی که محدودیتی در ارتباط زن و مرد ندارند، حالی از فایده نخواهد بود (سازمان عفو بین‌الملل: ۱۳۸۹؛ شلیت: ۲۰۰۹؛ ویلسون: ۱۳۸۳).

۱. در آیات بسیار (روم ۲۱: نساء / ۲۱: طلاق / ۵: بقره / ۵: ۲۳۷ و...) و روایات متعددی (کلینی، ۱۳۸۷: ۵/۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۳ / ۱۳: ۲۳۸؛ عاملی، ۱۴۱۶: ۱۴: ۱۵۵؛ نوری، ۱۴۰۸: ۱۳/۱۳۴) به نقش همسری و روابط میان زوجین و حقوق و وظایف آن‌ها اشاره گردیده است که نشان دهنده جایگاه و اهمیت نقش همسری برای زن و مرد در دیدگاه اسلامی است.

### ۲-۳-۲- مادری (فرزندآوری و تربیت)

۳۹

شاخص دیگر هویت جنسیتی اصیل بانوان که در دیدگاه اسلامی برای زنان بسیار محترم شمرده شده و مورد تاکید قرار گرفته است، همانا نقش مادری زن در خانواده است. زنان به عنوان مادر در آیات قرآن و روایات اسلامی بسیار مورد تقدير و ارزشمند شمرده شده‌اند.<sup>۱</sup>

### ۳-۳-۲- خانداری (مدیریت خانه)

اگرچه رسیدگی به کارهای خانه از وظایف واجب زنان در دین اسلام شمرده نشده است؛ اما یکی از نقش‌هایی است که زنان به طور عرفی و اخلاقی در خانواده و در قبال شوهرانشان به آن می‌پردازند. در واقع، اگر پذیریم که وجود زن و مرد در جامعه و خانواده در راستای تکمیل یک دیگر بوده و هر دو برای یک هدف واحد تلاش نمایند، تقسیم کار میان زن و مرد برای انجام امور مربوط به زندگی و رشد و تعالی افراد و جامعه صورت می‌گیرد.

در دین اسلام از آن جا که مردان وظیفه سرپرستی خانواده را برعهده داشته و موظف به تأمین هزینه‌های خانواده و پرداخت نفقة به همسران خود می‌باشند. از این‌رو، برای کسب درآمد به استغفال خارج از خانه می‌پردازند. از سوی دیگر، زن اگرچه وظیفه انجام کارهای خانه را نداشته و می‌تواند برای انجام آن (حتی شیردادن به بچه) از مرد دستمزد مطالبه نماید؛ اما وظیفة تأمین مخارج خود و خانواده را برعهده ندارد. لذا بر طبق این قواعد شرعاً است که زنان به طور عرفی و اخلاقی خود را متعهد به انجام کارهای خانه و رسیدگی به نیازهای شوهر و فرزندانشان می‌بینند.<sup>۲</sup>

۱. در آیات بسیاری به اهمیت و جایگاه مادری و تاکید بر احترام به مادر در کثار تاکید بر پرستش خداوند پرداخته شده است (لقمان /۴؛ احقاف /۱۵؛ مریم /۳۲). و این موارد علاوه بر آیات متعدد و بی‌شماری است که در ارتباط با احسان و نیکی به والدین نازل شده‌اند (اسراء /۲۳؛ بقره /۸۳؛ نساء /۳۶؛ انعام /۱۵؛ عنكبوت /۸؛ احقاف /۱۷). همچنین در روایات بسیاری از سوی پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام (عاملی، ۱۴۱۶/۱۵؛ نوری، ۱۴۰۸/۱۵؛ کلینی، ۱۳۸۷/۵؛ شیخ صدوق، ۱۳۸۵/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳/۸۵؛ تبیین جایگاه و اهمیت نقش مادری برای زنان پرداخته شده است که نشان از توجه و پیش‌دین مبین اسلام به مقوله نقش مادری در جامعه است.

۲. روایات متعددی از گفتار و سیره معصومین علیهم السلام وجود دارد که به این‌گونه تقسیم کار جنسیتی، مهر تأیید

## ۴-۳-۲- کسب مهارت و فضل

از دیگر مؤلفه‌ها و شاخص‌های هویت جنسیتی بانوان مذهبی، کسب مهارت و فضل است که در سه حیطه مهم قابل پیگیری هستند. الف. تحصیل علم،<sup>۱</sup> ب. اشتغال و خودشکوفایی،<sup>۲</sup> ج. مشارکت سیاسی و اجتماعی<sup>۳</sup>

۴.

## ۴-۲- نظام و ساختار هویت جنسیتی اصیل بانوان

هویت جنسیتی اصیل بانوان مذهبی، علاوه بر شاخص‌ها و مؤلفه‌های فوق الذکر، دارای یک نظام اولویت‌بندی نقش‌ها نیز می‌باشد؛ که در آن مؤلفه‌های این هویت به

زده و زنان را در مقام خانه‌داری و رسیدن به امور منزل مورد ستایش قرار می‌دهند. در تقسیم نقش‌ها در دین اسلام، گویا چنین مورد نظر بوده است که وجهه اصلی همت زن، خانه و خانواده باشد. تقاضای علی<sup>۱</sup> و فاطمه<sup>۲</sup> از پیامبر اکرم<sup>۳</sup> در زمینه تقسیم‌بندی فعالیت‌ها و احالة کارهای درون خانه به فاطمه<sup>۲</sup> و فعالیت‌های بیرون خانه به علی<sup>۱</sup> (عاملی، ۱۴۱۶: ۲۰/۲۷۷؛ نوری، ۱۴۰۸: ۱۳/۴۸). نشان تفکیک جنسیتی فعالیت‌هast (حق شناس، ۱۳۸۹: ۸۴). و نیز پیامبر اکرم<sup>۳</sup> می‌فرمایند: «هر زنی غذایی گوارا برای شوهرش تهیه کند، خدا در بهشت خوراکی‌های گوناگون برای او خلق کند و گوید: بخور و بنوش در مقابل آن حزمت‌ها که در دوران گذشته کشیده‌ای» (نوری، ۱۴۰۸: ۱۴/۲۴۵). امام صادق<sup>۴</sup> می‌فرمایند: «بهترین زنان شما زنی است که خوش دستپخت باشد» (عاملی، ۱۴۱۶: ۱۴/۱۵).

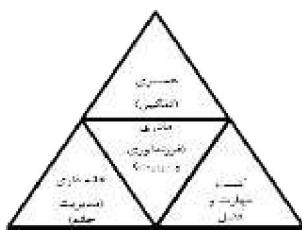
۱. روایات بسیار زیاد از زبان عصومین<sup>۱</sup> در فضیلت علم آموزی و تحصیل برای مسلمانان و مومنان در منابع روایی معتبر به چشم می‌خورد (عاملی، ۱۴۱۶: ۲۱/۴۸۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۳/۴۹؛ کلینی، ۱۳۸۷: ۱/۳۰؛ منقی هندی، بی‌تا: ۱۴۱۳: ۱۵۱؛ نوری، ۱۴۱۳: ۲۰۱/۱۲؛ پاینده، ۱۳۷۶: ۶۰۰). علاوه بر احادیث و روایات متفق‌القول از رسول اکرم<sup>۳</sup> و ائمه معصومین<sup>۱</sup> پیرامون فضیلت علم برای مرد و زن مسلمان، موارد متعددی از سیره آنان و زنان و دختران این بزرگواران در روایات تاریخی مستند به چشم می‌خورد که مبین تلاش زنان به کسب علم و دانش در زمان صدر اسلام است (عاملی، ۱۴۱۶: ۱۴/۱۲؛ ۱۲۷: ۱۴/۱۳۶۴؛ ۱۲/۲؛ ۴۲۸/۲).

۲. با عنایت به آیات قرآن (بقره / ۲۳۴؛ نساء / ۳۲؛ قصص / ۲۳) و روایات فراوان (مجلسی، ۱۳۷۸: ۹/۱۰۰؛ عاملی، ۱۴۱۶: ۱۲/۴۹) که بر جواز اشتغال برای زنان دلالت دارند و نیز گزارش‌های تاریخی از سیره زنان اهل بیت<sup>۱</sup> و زنان صحابه که به اشتغال و کسب درآمد می‌پرداختند و پیامبر اکرم<sup>۳</sup> نیز مخالفتی با آن نداشتند (عاملی، ۱۴۱۶: ۱۴/۴۷؛ ۲۲/۲۲؛ ۱۳۷۸: ۴۷/۹؛ مجلسی، ۱۳۷۸: ۱۹/۳۵؛ نوری، ۱۴۰۱: ۳/۲۲۷). می‌توان بر جواز اشتغال زنان حکم نمود.

۳. آیات بسیاری پیرامون مشارکت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زنان (نساء / ۹۸-۹۷؛ احزاب / ۵۰؛ ممتحنه / ۱۰؛ توبه / ۷۱؛ طه / ۴۰؛ آل عمران / ۶۱؛ فتح / ۱۸) و نیز روایات بسیاری از بیعت زنان با پیامبر اکرم<sup>۳</sup> (کلینی، ۱۳۶۵: ۱/۱؛ ۱۳۷۷: ۳؛ مجلسی، ۱۳۷۸: ۱۹/۱۹؛ ۱۴۰۱: ۳/۳۵؛ نوری، ۱۴۰۱: ۳/۲۲۷). و دعوت ایشان از زنان برای بیعت با حضرت علی<sup>۱</sup> (مجلسی، ۱۳۷۸: ۹۴؛ ۱۱۲: ۹۷؛ مجلسی، ۱۳۷۸: ۳۱/۹۷) شاهد هستیم.

اعتبار ارزش و اولویتی که در نگاه اسلامی دارند. جایگاهی را در این نظام اشغال می‌کنند. این نظام اولویتی به شکل زیر می‌باشد.

۴۱



### ۳. تحولات هویت جنسیتی بانوان مذهبی

تحولات هویت جنسیتی بانوان مذهبی و به تبع آن بروز اختلال در بازتعریف آن به این معناست که، آنان در اولویت دادن به نظام نقش‌های جنسیتی خود دچار مشکل شده و سلسله مراتب نقش‌ها در ساختار هویتی آنان به هم ریخته است. به عبارت دیگر، در تحقیق حاضر بانوانی که در ترجیح نقش‌های جنسیتی خود دچار ابهام بوده و در تشخیص نقش‌های اصلی و فرعی متناسب با جنسیت خودشان مرتكب اشتباه می‌شوند، دارای اختلال هویت جنسیتی هستند. برای مثال، اگر طبق مباحث گفته شده در بخش اول پذیریم که در الگوی دینی از هویت جنسیتی بانوان، نقش همسری و مادری از اشتغال و فعالیت اقتصادی و سیاسی مهم‌تر و دارای اولویت بیشتری می‌باشد، اگر زنانی اشتغال بیرون از خانه را به مادری ترجیح دهند، طبق تعریف این نوشتار به اختلال هویت جنسیتی دچار شده‌اند.

یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که اختلال هویت جنسیتی در بانوان مذهبی در دو سطح رخ می‌دهد:

#### ۱-۳- اختلال سطح پائین

منتظر از اختلال هویت جنسیتی سطح پائین، صرفاً ترجیح اشتباه به لحاظ ارزشی است و به ساحت ترجیح در رفتار و کنش نمی‌انجامد. یعنی بانوانی که در این سطح از اختلال قرار دارند، صرفاً به لحاظ ارزشی و ذهنی دچار اشتباه در فهم اولویت نقش‌های

جنسیتی خود هستند؛ ولی در ساحت عمل و رفتار با وجود اکراه ذهنی و ارزشی، به همان الگوی دینی نقش‌ها و هویت جنسیتی خود پاییند هستند.

برای مثال خانم مرضیه. م. در این زمینه می‌گوید: «ماندن در خانه و سروکله زدن با بچه در چنین شرایط بحران فرهنگی و اجتماعی، مرا اقناع نمی‌کند. احساس می‌کنم کارهای روی زمین مانده مهم‌تری در این فضنا دارم». هم‌چنین خانم زهرا. ر. معتقد است: «رسیدگی به کارهای خانه آنقدر وقت‌گیر و خسته کننده است، که به کارهای مهم‌ترم نمی‌رسم. قبلاً که مجرد بودم فعالیت اجتماعی پررنگ‌تری داشتم. شرایط فعلی من برایم مطلوب نیست». و نیز خانم سمیه. ج. می‌گوید: «توانمندی و ظرفیت من در مقایسه با فعالیت‌هایی که در خانه دارم بسیار بیشتر و ارزشمندتر است و برای همین از وقت گذاشتن برای کارهای خانه احساس رضایت نمی‌کنم».

### ۲-۳- اختلال سطح بالا

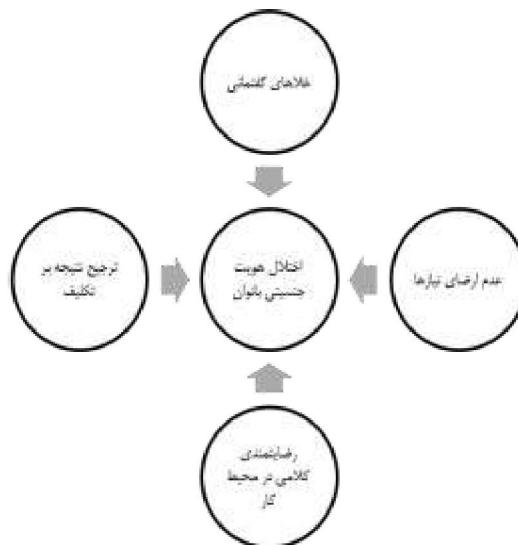
منظور از اختلال جنسیتی سطح بالا در بانوان مذهبی این است که، آنان علاوه بر اشتباه در ترجیح ذهنی نقش‌های جنسیتی خود، در ساحت عمل و رفتار نیز چهار این اشتباه شده و کنش آنان در عرصه اجتماعی از سلسله مراتب اولویت نقش‌ها در الگوی هویت جنسیتی اصیل بانوان پیروی نمی‌کند. به عبارت دیگر، بانوان چهار اختلال هویت جنسیتی سطح بالا، نه تنها به لحاظ ارزشی و ذهنی قائل به اهمیت مادری و همسری در مقایسه با فعالیت اجتماعی نیستند، بلکه در ساحت رفتار نیز امکان بروز این ترجیح برای آنان فراهم بوده و فعالیت اجتماعی و بیرون از خانه را به نقش‌های خانوادگی خود ترجیح داده‌اند.

برای مثال خانم مريم. ش. می‌گوید: «اکثر روزها مجبورم صبح زود از خانه بیرون بروم و معمولاً یا مادرم به منزل ما آمده و دخترم را نگه می‌دارد یا گاهی او را در مسیرم به خانه خواهیم می‌گذارم». هم‌چنین خانم محدثه. الف. معتقد است: «تأسیس مهدهای کودک با رویکرد تربیت دینی در محیط‌های سالم و نزدیک به محل کار بانوان می‌تواند زمینه را برای استفاده از ظرفیت بانوان در فعالیت‌های فرهنگی فراهم نماید». و نیز خانم سعیده. ق. می‌گوید: «سه روز در هفته برای انجام کارهای پژوهشی

در یک مؤسسه حضور دارم و پسرم نزد مادرم می‌ماند»).

۴۳

#### ۴. مدل مفهومی پژوهش



#### ۵. علل، زمینه‌ها و پیامدها

##### ۱-۵- ابهامات و خلاهای گفتمنان

وجود خلاهای و ابهامات در ادبیات نظری و گفتمنانهای فکری انقلاب اسلامی در حوزه مسائل زنان و خانواده، از علل مهم و مؤثر در تحولات هویتی بانوان مذهبی نسل جدید می‌باشد. منظور از خلاهای گفتمنانی در اینجا همان مفهوم «دال خالی»<sup>۱</sup> در نظریه تحلیل گفتمنان لاکلا و موف است.

«دال خالی» ییانگر یک فضای خالی است و به عبارتی، نشان از امر غایی دارد. کارکرد دال خالی بازنمایی وضعیت آرمانی و مطلوبی است که گفتمنانها سعی در ارائه آن در بهترین وجه ممکن خویش دارند. از سوی دیگر، این وضعیت بیانگر کوتاهی و

1. Empty Signifier.

قصور گفتمان حاکم در تأمین آن است. بنابراین، معناده‌ی به دال خالی و ارائه تصویر جامعه مطلوب، سبب پویایی و نشاط آن گفتمان می‌گردد (Laclau, 1994: 49).

از جهت دیگر، دال خالی بیانگر وجود تقاضا برای عرصه‌های جدیدی است که سایر گفتمان‌ها می‌توانند با پر کردن آن بستر مناسبی برای بدیل‌سازی خود، به جای گفتمان حاکم طرح کنند. وجود دال خالی امکان پیش‌بینی شرایط آینده و دوام گفتمان‌ها را، میسر می‌سازد. بدین معنا که هر گفتمانی که بتواند دال‌های خالی را پیش‌بینی و پیش‌بایی کند، می‌تواند حول آن‌ها مفصل‌بندی و نظام معنایی خود را توسعه و خود را به عنوان نمونه آرمانی و مطلوب جلوه دهد و با ایجاد اجتماعی نسبی، هژمونیک شده و زمینه شالوده‌شکنی گفتمان حاکم را فراهم آورد (مقدمی، ۱۳۹۰).

بانوان مذهبی جامعه ایران در گذشته سعی در نزدیک شدن به استانداردهای مورد نظر دین اسلام و عرف سنتی خود از الگوی زن داشتند و هر آن‌چه از گزاره‌های دینی صریح در مورد وضع مطلوب زن می‌یافتد، برای پیاده کردن آن‌ها در زندگی خود به کار می‌بردند. مفاهیمی همچون حجاب و عفاف، احترام به همسر، کدبانوگری و همسری شایسته و مفاهیمی از این قبیل، که همگی بر الگوی هویت جنسیتی خاصی دلالت داشتند.

اما در شرایط امروز و با روی کار آمدن نظام دینی برخواسته از گفتمان انقلاب‌اسلامی، برخی از مفاهیمی که در گذشته و در ارتباط با زنان کمربندی بودند، به دایره هویتی زنان وارد شده و مناسبات هویتی آنان را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند. مفاهیمی از قبیل عدالت‌خواهی، آرمان‌گرایی، مشارکت اجتماعی سازنده و... که همگی دلالت بر یک تصویر متفاوت از زن ایده‌آل داشتند.

به عبارت دیگر، اگر در گذشته درک زنان از وضع ایده‌آل خود صرفاً محدود به نقش‌های خانگی بود، امروز با روی کار آمدن گفتمان انقلاب اسلامی تلقی دیگری از زن مطلوب مورد نظر قرار گرفته است؛ و در این شرایط زنانی مطلوب و ایده‌آل محسوب می‌گردند که علاوه بر فعالیت‌های خانگی خود، دارای سهم قابل توجهی در مناسبات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه باشند.

امروز تحت تأثیر ادبیات انقلاب اسلامی، زنان و بانوان مذهبی به دنبال نزدیک

شدن به استانداردهای نظام اسلامی در زمینه تحصیلات عالیه زنان، مشارکت اجتماعی و فرهنگی و دست یافتن به جایگاه مؤثر در مسیر تمدن اسلامی می‌باشد.

۴۵  
باید اذعان داشت که ایجاد تحول و تغییر در مؤلفه‌های الگوی هویت جنسیتی بانوان توسط گفتمان انقلاب اسلامی امری مبارک و متعالی بود که یقیناً تصویر زن مطلوب را به استانداردهای دینی از زن نزدیکتر نمود. قطعاً زن مطلوب انقلاب و نظام اسلامی که هویت او نه مانند زن سنتی محصور به چار دیواری خانه است و نه مانند زن مدرن در خیابان‌ها پرسه می‌زند؛ بلکه جایی میان این دو را برای خود در نظر می‌گیرد که بسیار به تصویر زن ایده‌آل دینی و اسلامی نزدیکتر است؛ اما سؤال اینجاست که چگونه این تصویر ارائه شده از زن انقلاب اسلامی به بروز اختلال هویت جنسیتی زنان (با تعریف این نوشتار) می‌انجامد؟

برای پاسخ به سؤال فوق، باید به ابهامات موجود در الگوی زن مطلوب و تراز انقلاب اسلامی اشاره کرد که با گذشت سالیان سال از پیروزی انقلاب اسلامی، علی‌رغم وجود شاخصه‌های بسیار متعالی در معارف اسلامی در تکریم جایگاه فردی، خانوادگی، تربیتی و اجتماعی زنان، متأسفانه هنوز گفتمان انقلاب توانسته است در عرصه نظری به تدوین یک الگوی کامل از شخصیت و هویت زن مسلمان ایرانی ارائه دهد.

جامعه کارشناسی کشور در برابر پرسش‌های بسیاری در حوزه مسائل زنان و خانواده قرار دارد، که هرکدام از طیف‌های نظری موجود در جامعه، دیدگاه‌ها و نظرات خودشان پیرامون این مسائل را ارائه می‌دهند. از طرفی آن بخش از ابعاد هویت و شخصیتی زنان که در این گفتمان، به ظاهر روشن و واضح به نظر می‌رسند، به قدری دارای ابهام هستند که به راحتی قابل تفسیر به رأی شدن و مصادره به مطلوب گشتن هستند.

برای مثال، در ادامه به ذکر چند مورد از این خلاصه‌ها و ابهامات گفتمانی در حوزه زنان می‌پردازیم. در دیدگاه اسلامی و گفتمان انقلاب نسبت به نقش‌های جنسیتی زن، این گزاره‌ها تقریباً مورد اذعان و پذیرش تمامی اهالی اندیشه و نظر می‌باشد که نقش‌های خانوادگی زنان، مهم‌ترین و در رأس همه دغدغه‌ها و نقش‌های زنان هستند.

مشارکت اجتماعی زنان نه تنها به لحاظ شرعی مجاز بوده، بلکه برای زنان متدين

یک فضیلت است.

۴۶

در تراجم میان نقش‌های خانوادگی زنان و رسالت‌های اجتماعی آنان، خانواده اهمیت بیشتری دارد.

در نگاه اول به این چند گزاره، به نظر می‌رسد که این گزاره‌ها تکلیف ما را در حوزه تعارض نقش‌های زنان در خانواده و اجتماع روشن می‌نماید و بانوان مذهبی با نصب‌العین قرار دادن این سه گزاره در کنار هم، هیچ مشکلی در مدیریت کردن نقش‌های جنسیتی و اولویت‌بندی آن‌ها نخواهد داشت. اما وقتی با نگاه دقیق‌تر به آن‌ها پردازیم، متوجه ماهیت مبهم، غیردقیق و تفسیر پذیر این گزاره‌ها می‌شویم که همین مسئله باعث بروز اختلال در هویت جنسیتی بانوان مذهبی می‌گردد.

به بیان دیگر، تأمل دقیق‌تر در این سه گزاره به ظاهر صريح و روشن، باعث به وجود آمدن پرسش‌ها و ابهامات جدی می‌گردد که پاسخ آن از دل این سه گزاره استخراج نمی‌شود و تنها با تفسیر به رأی نمودن آن‌ها پاسخ سؤالات مشخص می‌گردد. برای مثال این پرسش در مقابل گزاره‌های فوق مطرح می‌گردد که، آیا اساساً امکان جمع کردن میان وظایف خانگی و نقش‌های اجتماعی زن به نحوی که هیچ کدام به کیفیت دیگری لطمه نزند، وجود دارد؟ ملاک تشخیص این مسئله چیست؟ چه کسی از اعضای خانواده یا جامعه، مرجع ذی صلاح تشخیص این مساله است؟

لذا وقتی گفتمان حاکم در صدد پاسخگویی به این ابهامات برنمی‌آید و یا پاسخی برای آن‌ها در ادبیات نظری خود یافت نمی‌کند، این ابهامات بدون پاسخ از سوی مراجع اصلی گفتمان انقلاب، توسط خود بانوان و زنان مذهبی با مصادره به مطلوب شدن گزاره‌های فوق‌الذکر، پاسخ داده می‌شوند. نتیجه این خواهد بود که برخی از زنان از این گزاره‌ها این‌گونه برداشت می‌کنند که فعالیت‌های بیرون از خانه آنان با کارهای خانگی‌شان منافاتی ندارند و خللی به روند تربیت فرزند و رسیدگی به نیازهای همسر ایجاد نمی‌کند و لذا با اهتمام و جدیت تمام به مشارکت اجتماعی خود مشغول می‌گردند! عده‌ای هم به این نتیجه می‌رسند که اگر فعالیت بیرون از خانه را برگزینند از انجام کارهای خانگی خود باز خواهند ماند و در نتیجه عطای مشارکت اجتماعی را، به

لقاءش خواهند بخشید. در این شرایط است که آن الگوی اصیل و انقلابی هویت جنسیتی بانوان هیچ‌گاه به طور صحیح محقق نشده و اختلال هویت جنسی بانوان روز به روز گسترش می‌یابد.

۴۷

#### ۲-۵- عدم ارضای روانی، عاطفی و جنسی زنان در خانواده

ضعف و عدم تدبیر مردان در مدیریت روانی و احساسی زنان در خانواده، عامل دیگری است که زمینه‌ساز بروز اختلالات هویت جنسیتی زنان می‌گردد.

«انگیزه» از مهم‌ترین علل رقم زدن کنش افراد و وادار کردن آنان به فعالیت است. انگیزه، اولین عنصر تشکیل دهنده رفتار انسان است و اگر این مقوله در انسان وجود نداشته باشد، هیچ کنشی از اوی سرنخواهد زد. انگیزه‌های انسان هم می‌توانند مثبت بوده و کنش مثبت انسانی را رقم بزنند و هم می‌توانند منفی باشند و اوی را مجبور به فعالیت‌های منفی نمایند. روان‌شناسان معتقد‌ند رابطه مستقیمی میان انگیزه و برآورده شدن احتیاجات اساسی انسان وجود دارد. یعنی اگر احتیاجات و نیازهای اساسی انسان‌ها به طور کامل برآورده شود، افراد انگیزه‌های لازم جهت کنش‌ها و فعالیت‌های دیگر نیز خواهند داشت. احتیاجات و نیازهای اساسی انسان، شامل نیازهای زیستی (خوراک، پوشان، مسکن و روابط جنسی) و نیازهای روحی (عشق و محبت، خودشکوفائی، توجه و...) می‌باشند که در زن و مرد وجود داشته و عدم ارضای همه و یا برعی از آن‌ها ممکن است باعث ایجاد اختلالات روانی و شخصیتی در افراد گردد.

زنان در مقایسه با مردان، موجوداتی به شدت احساسی و عاطفی بوده و غریزه جنسی در آنان متفاوت با مردان است و از این جهات در مقایسه با مردان آسیب‌پذیرتر هستند. این تفاوت به این معناست که اگر زنان به لحاظ عاطفی و روانی در خانواده از حمایت کافی برخوردار شده و نیازهای زیستی آنان به خوبی پاسخ داده شود، انگیزه کافی و انرژی و توان لازم جهت انجام وظایف و نقش‌های خانوادگی مانند: همسری و خانه‌داری را خواهند داشت.

روان‌شناسان و کارشناسان علوم رفتاری معتقد‌ند که عدم ارضای نیازهای عاطفی و روانی زنان از قبیل: مورد توجه واقع شدن، معشوق کسی بودن، محبت دیدن و...

باعث ایجاد اختلالات روانی و شخصیتی مانند: تعارضات هویتی، تشویش، اضطراب، و... شده و زمینه‌ساز بروز کنش‌های غیرعقلانی و افراطی در آنان خواهد شد (کاپلان: ۱۳۸۹: ۴۵).

بسیاری از روان‌شناسان معتقدند عامل اصلی جلوه‌گری‌های ظاهری و خودنمایی زنان در جامعه، این است که آنان پاسخ مناسبی را در قبال نیازهای عاطفی و زیستی خود از خانواده دریافت ننموده‌اند و به این ترتیب برای پاسخ آن‌ها به جستجو در عرصه‌های عمومی می‌پردازند (جینا لجورز، ۱۳۸۹: ۴۵).

در گذشته و در میان عقلاً مشهور بود که یکی از راه‌های حل مسائل و مشکلات خانوادگی، محبت کردن مرد به همسرش است؛ زیرا در این شرایط بسیاری از مسائلی که قبلًاً برای زن، مشکل و بحران تلقی می‌شد، به طور کامل مرتفع خواهد شد. لذا وقتی بانوان در درون خانواده از حمایت‌های روانی برخوردار نبوده و به لحاظ عاطفی و نیازهای دیگر ارضا نشوند، تمایل آنان نسبت به انجام نقش‌هایی چون خانه‌داری و همسری کم‌رنگ شده و به دنبال ارضا نیازهای روانی و عاطفی خود در بیرون از خانواده خواهند رفت. این مقوله به نوعی در مورد همهٔ خانواده‌ها امکان صادق بودن دارد. یعنی هم خانواده‌های مذهبی و هم غیر مذهبی در معرض این تهدید قرار دارند؛ اما تفاوت این دو قطعاً در نتیجهٔ خواهد بود.

زنانی که در خانواده‌های غیرمذهبی از سوی همسر خود به لحاظ عاطفی، روانی و جنسی ارضا نشوند، به دلیل عدم پاییندی به هنجارهای دینی، به طور جدی در معرض ارتباطات خارج از چارچوب شرع و ارضا نیازهای خود در سطح فراخانوادگی خواهند بود و یا در بهترین حالت مجبور به سرگرم کردن و بازتعریف هویت خود در قالب فعالیت‌های مختلف روزمره در بیرون از خانه خواهند شد. اما در خانواده‌های مذهبی در صورت بروز این پدیده، به دلیل پاییندی به احکام دینی و شرعی و نیز داشتن روحیات و دغدغه‌های دینی و انقلابی، نتیجهٔ این پدیده در فعالیت‌های افراط‌گونه فرهنگی و سیاسی ظهور خواهد یافت که در هر دو صورت اختلال هویت جنسیتی رخداده است.

برخی از مهم‌ترین علل و دلایل عدم ارضا روانی، عاطفی و جنسی بانوان در

### خانواده‌های مذهبی را می‌توان این گونه احصاء کرد:

۴۹

الف. استهلاک توان و تدبیر طیف مذهبی: این مورد یکی از علل شایع در میان افراد مذهبی و به اصطلاح فعالان سیاسی و فرهنگی است. این افراد به قدری در مناسبات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی درگیر بوده و بعضاً افراد مهمی هم هستند که در طول روز تمام توان و انرژی وقت خود را صرف پرداختن به این مسائل و دغدغه‌های خود نموده و اساساً فرصتی برای تکرر، تأمل و تدبیر امور خانه و همسر خویش ندارند. مهم‌تر آن که حضور آنان در خانه نیز به دلیل خستگی مفرط از کار بیرون از خانه بیشتر به یک کالبد بی‌جان شبیه است تا یک همسر ایده‌آل!

ب. عدم مهارت طیف مذهبی در روابط زناشویی: این مورد نیز یکی دیگر از عوامل مؤثر در عدم ارضاء نیازهای بانوان در خانواده‌های مذهبی است. از آنجا که طیف مذهبی تمام توان و علاقه خود را صرف پرداختن به مسائلی چون الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، مهندسی معکوس تهاجم فرهنگی دشمن، امکان و امتناع بومی‌سازی فمینیسم در ایران، ملاحظات و بایسته‌های تحقق علم دینی و مسائلی از این قبیل می‌نمایند، فرصت و تمایلی به یادگیری مهارت‌های ارتباط با همسر در خانه و شناخت روحیات، علایق و مطالبات زنان به عنوان همسر ندارند. لذا نتیجه این می‌شود که زنان در خانه با مردانی سروکار دارند که در جامعه و محل کار، پیامون هر موضوع اجتماعی و فرهنگی ساعتها سخترانی می‌کنند و سرشار از توهمندی تاثیرگذاری اجتماعی در سطح ملی و بین‌المللی هستند؛ اما در خانه مهارت لازم برای هم صحبت شدن با همسر را ولو به مدت ده دقیقه ندارند!

ج. تأثیر تغذیه نامناسب و آلودگی هوا بر قوای جنسی مردان: این مورد نیز یکی دیگر از علل تاثیرگذار و شایع در عدم ارضاء نیازهای زنان در درون خانواده است. رژیم غذایی و تغذیه نامناسب مردان و به ویژه طیف مذهبی‌ها که معمولاً فقط یک وعده غذای خانگی سالم تناول می‌کنند و مهم‌ترین وعده‌های غذایی آنها را غذای رستوران‌ها تشکیل می‌دهد از یک‌سو، و آلودگی هوای کلان شهرها و شهرهای بزرگ از سوی دیگر، باعث تضعیف قوای جنسی مردان و عدم توانایی آنان در ارضاء و پاسخ‌گویی به نیاز جنسی همسر می‌گردد (bastani: ۱۳۹۲).

به هر حال باید پذیرفت که یک عامل مهم در بروز اختلال هویت جنسیتی بانوان، بی تدبیری و عدم مهارت مردان در مدیریت احساسات و نیازهای زنان در خانواده است. زن اگر از مرد محبت و حمایت لازم را دریافت کند و نیازهایش را در درون خانواده پاسخ بگیرد، اگر توجه کامل همسرش را به خود و زحماتش در انجام کارهای خانه درک کند، به هیچ وجه در صدد برآورده کردن نیازهای روانی و شخصیتی خود از طرق دیگر و کارهای بیرون از خانه برنایمده و با شور و اشتیاق فراوان به انجام کارهای خانه و وظایف مادری و همسری خود خواهد پرداخت. اما اگر زنی با وجود متهم شدن زحمات فراوان در انجام وظایف همسری و خانه‌داری خود مابه‌ازی مناسبی از سوی همسرش دریافت نکرده و مرد به او و زحماتش بی‌توجهی نشان داده و قدردان وی نباشد، طبیعتاً میلی برای ادامه این کارها در وی خواهد ماند.

### ۳-۵- رضایتمندی کلامی در محیط کار

عامل مهم دیگری که باعث بروز اختلال در هویت جنسیتی بانوان و تمایل آنان به ترجیح محیط کار به خانه می‌گردد، رضایتمندی کلامی حاصل از مصاحبت با مردان نامحرم در محیط کار است. اختلاط بی‌رویه و فraigیر زن و مرد در محیط‌های کاری حتی در فضاهای مذهبی، زمینه‌ساز ارتباط و مصاحبت زن و مرد نامحرم با یکدیگر و در نتیجه ارضاء نیازهای کلامی یکدیگر شده است. این عامل در کنار ناتوانی و عدم مهارت مردان در ارضاء نیازهای روانی و عاطفی زنان از جمله مصاحبت و هم کلامی با همسر، باعث شده که زنان در جستجوی عوامل رضایتمندی و ارضاء‌کننده نیازهای عاطفی و روانی خود در بیرون از خانه بوده و در نتیجه افزایش تمایل زنان به فعالیت در فضای جامعه را شاهد باشیم.

### ۴-۵- ترجیح نتیجه بر تکلیف

عامل مهم دیگری که می‌تواند بخشی از روند تحولات هویتی در میان بانوان مذهبی را توضیح دهد، روحیه و ویژگی عمومی طیف مذهبی‌ها در ترجیح نتیجه بر تکلیف است. شاید اگر از دوستان فعل مذهبی در این زمینه سوال شود، پاسخ یکسانی که از همه آن‌ها دریافت خواهد شد این جمله معروف است که «ما مأمور به تکلیفیم و نه

نتیجه»؛ اما در عمل دقیقاً برعکس این جمله را در زندگی بسیاری از آنان شاهد هستیم. جذابیت و احساس رضایت ناشی از کسب نتیجه و بازدهی فعالیت‌ها در عرصه‌های اجتماعی باعث شده است که رسیدن به نتیجه مطلوب و مورد دلخواه برای بسیاری از طیف مذهبی اهمیت بسیاری یافته و مشقت‌های تکلیف‌گرایی بدون توجه به نتیجه در نگاه آنان صرفاً به یک آرمان دست نیافتنی تبدیل گردد. لذا نحوه تاثیرگذاری این مقوله، بر تحولات هویت جنسیتی بانوان به این نحو است که اگر پیذیریم تکلیف اصلی زنان در جامعه اسلامی ایفای نقش همسری و مادری در خانه است، باید گفت هیچ نتیجه و بازده مطلوب و سهل الوصولی برای این دو نقش وجود نداشته و در بهترین حالت زنان می‌توانند نتیجه ایفای مطلوب نقش مادری خود را در نسل بعدی خود مشاهده کنند که حدود ۲۰ سال به طول خواهد انجامید؛ اما در مقابل آن نقش‌های اجتماعی زودبازدهی وجود دارند که در عرض کمتر از یک ماه به خروجی‌های فاخری نظیر نشریه، همایش، کتاب، نرم افزار، نمایشگاه و... می‌رسند و بعضاً دایره تاثیرگذاری خوبی هم دارند. این افراد به درستی از سهم تأثیر نقش‌های خانوادگی خود در مسیر تمدن‌سازی آگاه نیستند.

اگر پیذیریم که مهم‌ترین رکن تمدن اسلامی، داشتن نیروی انسانی خوب و کارآمد است، باید اذعان داشت که زنان در پرورش نیروهای انسانی متعادل، متخلق، قانع، علم‌دوست، کاری، باشاط و هم‌گرا بیشترین سهم را، ایفا می‌کنند. لذا متأسفانه این روحیه نتیجه‌گرایی و ترجیح آن بر تکلیف صرف، باعث می‌گردد، زنان تمایل بیشتری به انجام فعالیت‌های اجتماعی زودبازده و خروجی محور نسبت به نقش‌های خانوادگی دیربازدۀ داشته باشند.

## ۶. راهکارها و پیشنهادات

### ۶-۱- رفع ابهامات و خلاه‌های گفتمانی

همان‌طور که اشاره شد، وجود ابهام و خلاه‌های متعدد در ادبیات نظری و گفتمان انقلاب اسلامی در حوزه مسائل زنان و خانواده، از مهم‌ترین علل بروز اختلال هویت

جنسيتی بانوان مذهبی است. لذا لازم است برای جلوگیری از بروز آن اقدام مناسبی در جهت رفع اين ابهامات و خلاهای موجود در گفتمان حاکم صورت دهيم. به نظر می‌رسد، اين اقدام از رهگذر تدوين و طراحی نظری نظام و الگوی جامع شخصیت زن مسلمان ایرانی و تبیین عینی و کاربردی مؤلفه‌ها و مصاديق آن برای جامعه صورت خواهد گرفت. تبیین و تدوين نظام جامع شخصیت زن در اسلام، نه تنها یکی از بايسته‌های علمی و پژوهشی برای جامعه کارشناسی، بلکه از ضرورت‌های عملی و اجتماعی برای بدنه عمومی زنان جامعه و به ویژه زنان و بانوان مذهبی در اين دوره است. منظور از «نظام شخصیت زن» تصویر جامعی است که دین اسلام در ناحیه توصیف‌ها، ارزش‌ها و حقوق از شخصیت مطلوب زن مسلمان ارائه داده است. مادامی که يك تصویر نظام‌مند صحیح و مشخص از حقوق، تکالیف، نقش‌ها و رسالت زن مسلمان در جامعه امروز ارائه نشده و به صرف وجود گزاره‌های متکثرا و قابل تفسیر بسته شود، نمی‌توان انتظار داشت که کنش زن ایرانی متناسب با استانداردها و متونیات دینی صورت گیرد.

اصرار و تاکید بر نظام‌مند بودن این تصویر، از آن جهت است که در يك نظام و سیستم معمولاً ارتباط و نسبت گزاره‌ها و عناصر با يكديگر مشخص و روشن است و هر عنصری برای تفسیرشدن وابسته به عناصر دیگر خواهد بود و امکان گزینش يك عنصر و تفسیر آن به صورت جداگانه از سایر عناصر نظام امکان‌پذیر نیست. به عبارت دیگر، ما نیازمند طرح و تصویری از زن مسلمان ایرانی هستیم که در آن علاوه بر اولویت‌های نقشی و رسالت‌های زن مسلمان، نسبت و ربط منطقی هریک از وظایف با يكديگر تبیین شده باشد.

#### ۲-۶- ارتقاء کیفیت حضور مردان در خانواده

به نظر می‌رسد يكی از راهبردهای مهم در سطح خانواده، ارتقاء کیفیت حضور مردان در خانه و تدبیر آنان در حل و فصل نیازهای زیستی و روانی همسران است. این راه کار از سه طریق باید محقق گردد:

الف. تدبیر فضای عاطفی و احساسی خانه: مردان باید توجه داشته باشند که

مهمترین عامل انگیزشی در زنان برای رقم زدن کنش‌های مطلوب، ارضاء عاطفی و برخورداری از حمایت‌های روحی و روانی از سوی همسر می‌باشد. توجه به تغییرات روحی و روانی بانوان و تنظیم رفتار متناسب با آن، همراهی عاطفی و احساسی با زنان و مراوده مبتنی با محبت و عشق با آنان، تشکر و قدردانی از خدمات و تلاش زنان در خانه، همنشینی و هم‌کلامی و مصاحبت با آنان در زمان حضور در خانه، حسن معاشرت، توجه و پذیرش خواسته‌های آنان و... از جمله مصاديق تدبیر فضای عاطفی و روانی خانه از سوی مردان است.

روایات بسیاری در این زمینه وجود دارند که مردان را به محبت‌ورزی و توجه به روحیات عاطفی همسر توصیه می‌کنند. روایت معروف از پیامبر اکرم ﷺ به این مضمون که «اگر مردی به همسرش بگوید «دوست دارم»، این جمله هرگز از ذهن او بیرون نخواهد رفت» (عاملی، ۱۴۱۶: ۱۰/۱۴). یکی از ده‌ها روایت موجود در این زمینه است.

ب. پاسخ‌گویی به نیازهای زیستی همسر: برآورده شدن نیازهای زیستی زنان از جمله نیاز جنسی، نیازهای مربوط به ارضاء روحیه تجمل و تبرج در زنان و غیره نیز یکی دیگر از طرقی است که مردان به تدبیر فضای خانواده بپردازند. کسب مهارت‌های لازم جهت افزایش رضایت‌مندی زنان در روابط زناشویی، رعایت نکات بهداشتی و ظاهری مورد توجه و تمايل زنان، دست و دل‌بازی در زمینه فراهم نمودن کالاهای مورد نیاز همسر مانند: پوشاش و زیورآلات تاحد امکان و... بخشی از روش‌های مورد نیاز در این طریق است. احادیث و روایات زیادی در زمینه وظایف مردان نسبت به همسران در حوزه مسائل جنسی به چشم می‌خورند (عاملی، ۱۴۱۶: ۱۲/۱۴۵؛ مجلسی، ۱۳۷۸: ۱۲۶؛ ری شهری، ۱۳۸۶: ۷۸۷۶).

ج. انعطاف‌پذیرتر کردن تفکیک جنسی نقش‌ها: یکی دیگر از طرق مدیریت و تدبیر فضا روانی خانه، منعطف نمودن نقش‌ها و وظایف خانگی از طریق افزایش همراهی و مشارکت مردان در فعالیت‌های خانگی اعم از مسئولیت‌ها و تفریحات است. این امر تأثیر چشم‌گیری بر افزایش میزان رضایت‌مندی همسران دارد. می‌توان با بهره‌گیری از سیره پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصوم علیهم السلام بهترین الگو را در این زمینه ارائه داد.

در باره رسول خدا<sup>علیه السلام</sup> گفته‌اند: «آن حضرت به دوشیدن بر خانه می‌پرداخت» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۳۸/۶). و در روایتی آمده است: علی<sup>علیه السلام</sup> به تهیه هیرزم، آوردن آب و جارو کردن، و فاطمه<sup>علیها السلام</sup> به تهیه آرد و خمیر کردن و پختن نان می‌پرداخت (عاملی، ۱۴۱۶: ۳۹/۱۲). روایت دیگری نیز صحنه‌ای را تصویر می‌کند که در آن حضرت فاطمه<sup>علیها السلام</sup> در حال آشپزی و امام علی<sup>علیهم السلام</sup> در حال پاک کردن عدس بوده و با این فرمایش پیامبر گرامی<sup>علیه السلام</sup> به پایان می‌رسد: «یا علی، هیچ مردی به اهل و عیال خود خدمت نمی‌کند، مگر آن که از صدیقان و شهیدان بوده و یا کسی که خدا خیر دنیا و آخرت را برای او خواسته باشد» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۳۲).

نکته بالا از سوی الشتین، فمینیست خانواده‌گرا، نیز کانون توجه قرار گرفته است. وی در واکنش به این سفارش فمینیست‌های لیبرال، که زنان باید شبیه مردان شوند، می‌گوید: زنان به جای تشویق یک دیگر به تقلید از رفتار سنتی مردان که حداقل زمان را در خانه و حداقل زمان را در اداره یا کارخانه می‌گذرانند، باید برای دستیابی به جامعه‌ای بکوشند که در آن مردان همانقدر که برای شرکای تجاری و همکاران شغلی خود وقت اختصاص می‌دهند، برای دوستان و خانواده نیز وقت داشته باشند (استان، ۱۳۸۹: ۲۰۹).

به نظر می‌رسد، چنین تدبیری بتواند به افزایش احساس رضایت همسران و افزایش انگیزه آنان برای ایفای نقش‌های خانگی کمک کند.

### نتیجه‌گیری

مقاله حاضر، با هدف تحلیل علل و زمینه‌های تحولات هویت جنسیتی در میان بانوان مذهبی در جامعه ایرانی و ارائه راه کارهای پیش روی آن نگاشته شد. هویت جنسیتی اصیل بانوان مذهبی از منظر ادبیات دینی شامل مؤلفه‌های همسری، مادری، مدیریت خانه، تحصیل علم، اشتغال و مشارکت سیاسی و اجتماعی می‌باشد.

عمل و زمینه‌های این تحولات در هویت جنسیتی بانوان، در جامعه ایرانی به صورت خاص در پژوهش حاضر، شامل ابهامات و خلاصه‌های گفتمانی در ادبیات نظری انقلاب اسلامی پیرامون مسائل زنان و خانواده، عدم ارضاء نیازهای روانی، جنسی و

عاطفی زنان در خانواده، رضایتمندی کلامی در محیط کار و ترجیح نتیجه بر تکلیف از جمله علل ویژه تحولات در هویت جنسیتی بانوان مذهبی در جامعه ایران به شمار می‌روند. راه کارهای پیشنهادی پژوهش حاضر در این زمینه نیز عبارت است از: رفع ابهامات و خلاصهای گفتمانی از ادبیات نظری و گفتمان انقلاب اسلامی، ارتقاء کیفیت حضور مردان در خانواده از رهگذار تدبیر فضای عاطفی و احساسی خانه و پاسخ‌گویی به نیازهای زیستی همسر و نیز انعطاف‌پذیرتر کردن تفکیک جنسیتی نقش‌ها در درون مناسبات خانواده است.

۵۵

## کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم.
۲. آبوت، پاملا و کلروالاس، جامعه شناسی زنان، ترجمه منیزه نجم عراقی، تهران، نی، ۱۳۸۳.
۳. آکین، سوزان مولر، زن از دیدگاه فلسفه سیاسی غرب، ترجمه نوری‌زاده، تهران، روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۳.
۴. اعزازی، شهلا، فمنیسم و دیدگاهها، تهران، روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۵.
۵. باستانی، قادر، مصاحبه با سایت انتخاب، به آدرس: www.entekhab.ir/fa/news/143070، ۱۳۹۲.
۶. بستان، حسین، اسلام و تفاوت‌های جنسیتی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵.
۷. ——، اسلام و جامعه شناسی خانواده، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸.
۸. ——، نقش‌های جنسیتی از دیدگاه اسلام، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۹.
۹. بهشتی، احمد، خانواده در قرآن، قم، طریق القدس، ۱۳۶۱.
۱۰. توکلی، نیره، فرهنگ و هویت جنسیتی با نگاهی به ادبیات ایران، مجله نامه انسان‌شناسی، ش، ۳، ۱۳۸۲.
۱۱. حجازی، بنشه، تاریخ خانم‌ها، تهران، قصیده سرا، ۱۳۹۰.
۱۲. حق شناس، جعفر، آسیب‌شناسی خانواده، تهران، مرکز امور زنان و خانواده، ۱۳۸۹.
۱۳. خمینی، سید روح الله، صحیفه نور، تهران، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت امام، ۱۳۶۸.
۱۴. دوبوار، سیمون، جنس دوم، ترجمه قاسم صنعتی، تهران، نوس، ۱۳۸۷.
۱۵. دورانی، ویل، تاریخ تمدن، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.
۱۶. راپرتسن، یان، درآمدی بر جامعه، ترجمه حسین بهروان، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
۱۷. رئوف، هبه، مشارکت سیاسی زن، ترجمه محسن آرمین، تهران، قطره، ۱۳۷۷.
۱۸. رویاتم، شیلا، زنان در نکاپو، ترجمه حشمت الله صباغی، تهران، شیرازه، ۱۳۸۸.
۱۹. روزن بام، هایدی، خانواده به مثابه ساختاری در مقابل جامعه، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۷.
۲۰. زیائی نژاد، محمدرضا و سیحانی، محمدتقی، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۳.
۲۱. زیائی نژاد، محمدرضا، هویت و نقش‌های جنسیتی، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۹.
۲۲. سگان، مارتین، جامعه شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، تهران، مرکز، ۱۳۷۵.

۲۳. شرفی، محمدرضا، جوان و بحران هویت، تهران، سروش، ۱۳۸۸.
۲۴. شلیت، وندی، دختران به عفاف روی می‌آورند، ترجمه سمانه مدنی، تهران، معارف، ۱۳۸۹.
۲۵. علاسوند، فربیا، زن در اسلام، دو جلد، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۹۰.
۲۶. فرج، مارلین، جنگ علیه زنان، ترجمه توراندخت مالکی، تهران، علمی، ۱۳۷۳.
۲۷. فعالی، محمدتقی، جنسیت، فمینیسم یا ذاتگری الهی، مطالعات راهبردی زنان، ش، ۴۶، ۱۳۸۸.
۲۸. گاردنر، ویلیام، جنگ علیه خانواده، ترجمه محمدی، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۸.
۲۹. لجورز، جینیا، روح زن، تهران، آدینه، ۱۳۸۹.
۳۰. مشیرزاده، حمیرا، از جنبش تأثیرگذار اجتماعی، تهران، شیرازه، ۱۳۷۴.
۳۱. معصومی، سید مسعود، احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۹.
۳۲. مقدمی، محمدتقی، نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف و نقد آن، فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره دوم، ۱۳۹۰.
۳۳. میرخانی، عزت السادات، رویکردی نوین در روابط خانواده، تهران، سفیر صبح، ۱۳۸۰.
۳۴. میشل، آندره، پیکار با تبعیض جنسی، ترجمه محمد جعفر پوینده، تهران، نگاه، ۱۳۷۶.
۳۵. میشل، آندره، جنبش اجتماعی زنان، ترجمه هما زنجانی زاده، مشهد، نیکا، ۱۳۷۲.
۳۶. میل، جان استوارت، اتفاقیات زنان، ترجمه علاء الدین طباطبائی، تهران، هرمس، ۱۳۷۹.
۳۷. میلر، کتی کالارد، ردپای خداوند در زندگی زنان، ترجمه نفیسه معتمد، تهران، داد، ۱۳۸۰.
۳۸. ویلسون، جیمز، فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ترجمه معصومه محمدی، تهران، معارف، ۱۳۸۳.
۳۹. منابع عربی
۴۰. پایدار، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران، جاویدان، ۱۳۷۶.
۴۱. حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴.
۴۲. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الى تفاصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۶.
۴۳. سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۸۰.
۴۴. صدوق، محمد بن علی، من لایحضرته الفقیه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳.
۴۵. طبرسی، فضل بن حسن، مکارم الاخلاق، بیروت، دارالحواراء، ۱۴۰۸.
۴۶. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تهران، دارالكتب الاسلامیه، ۱۳۶۴.
۴۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالكتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۴۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۴.
۴۹. —، حلیه المتنین، قم، جمهوری، ۱۳۷۸.
۵۰. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحكمه، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۶.
۵۱. نوری طبرسی، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۱.
۵۲. هندي، علاء الدین، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الپایان نامه، ۱۴۱۳.
53. Bailey, K. D., "Methods of Social Research, New York, Free Press, 1994 .
54. Barrett, M. & A. Philips, Destabilizing Theory, Contemporary Feminist Debates, London, Polity Press, 1992 .
55. Barrett, Michelle, Women's Oppression Today, Halton Press, 1989 .

۵۶. Cahone, L, *From Modernism to Postmodernism, An Anthology Expanded*, Second Edition, Wiley-Blackwell Publisher, 2003 .
۵۷. De Beauvoir, Simone, *The Second Sex*, Translated by H. M. Parsley, N. Y, Vintage Book, 1949 .
۵۸. Friedan, Betty, *The Feminine Mystique*, N. Y: Dell, 1963 .
۵۹. Millett, Kate, *Sexual Politics*, Garden City, N. Y, Doubleday, 1969 .
۶۰. Harding, S, *Sex Acts, Practices of Femininity*, Ithaca, Cornell University Press, 1998 .
۶۱. Laclau, *the Making of Political Identities*, London verso, 1994 .



